مسئولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

عبدالصمد ازهر ۲۰۲۱/۱۰/۰۸

چرا ختم اشغال را گرامی بداریم؟

امروز مصادف است با ۷ اکتوبر، روزی که در آن جورج بوش پسر، بیست سال قبل به بهانه انتقام از حوادث ۱۱ سپتمبر، به جای عربستان و پاکستان، افغانستان را به مثابه نقطه ضعیف و آسیب پذیر هدف تجاوز نظامی در جنگ جدید صلیبی قرار داد. در طول این بیست سال در کنار کارهای مثبت، بیشترین توجه و مصارف پولی آن متمرکز بود بر ناتوان نگه داشتن حکومت مرکزی، خلق یک قشر فاسد متمول وفادار، پشتیبانی از قدرت های موازی، توسیع و تقویه شبکه استخباراتی، گستردن کشت و اعتیاد به مواد مخدر، دامن زدن به نفاق و جدایی طلبی، زمینه دادن به فساد مالی و اخلاقی، پامالی ارزش های بلند و سچه افغانی و بالآخر تخریب بنیاد معنویات جامعه به منظور استفاده از سرزمین افغان ها به مثابه تخته خیز علیه قدرت های همجوار.
این ابر قدرت، وقتی در جنگ در برابر طالبان کم آورد و رو به شکست بود، خواست با معامله یی از یک سو برای خودش بینی خمیری و از سوی دیگر زمینه استفاده از نیروی طالبان را برای مقاصد جیوپولتیک کمایی کند. بر بنیاد توافق دوحه امریکا در پایان ماه اگست از افغانستان برامد ولی خیلی خفتبار برامد و فاجعه ها آفرید.
چون موضوع این مقال ارائه پاسخ به پرسش مطرح شده در عنوان است، من خودم را در همین حدود نگه می دارم.
شماری از هموطنان روشنفکر ما می پرسند چرا باید از ختم اشغال امریکا خشنود باشیم در حالی که لشکر نیابتی پاکستان، این عقبگرا ترین گروه با سابقه جنایات ضد بشری و ضدیت با آزادی ها و حقوق انسانی، جای آن را گرفت و تاسنگ پاکستان نیز شدیم؟
دوستان نهایت ارجمند، دیروز هم علاوه بر آن که در زیر اشغال نظامی مستقیم امریکا بودیم، دست دراز نیابتی پاکستان، ایران و جمعی دیگر نیز در وجود تعهد سپرده گان و از طریق آنها، با تمام قدرت کیان ملی ما را آماج قرار داده بی ثباتی ها را دامن می زدند. همه شان در تمویل و تشدید جنگ خانمانسوز و خونریزی جانکاهی که همه روزه از افغان های درمانده صدها قربانی می گرفت، نقش انکار ناپذیر داشتند.
امریکا حضور فعال خود را در کشور ما، از تاریخ آغاز مذاکرات دوحه ضعیف و ضعیف تر گردانید و با امضای توافقنامه با طالبان متعهد به سر قدرت آوردن آنها شد. همان طوری که پیش گویی کرده بودیم، در ماه های آخر، تسلیمی های بدون مقاومت نمایشگر دست نیرومند استخبارات امریکا و هم پیمانانش، به شمول پاکستان، در تار و پود افغانستان بوده است.
تصور می شد جو بایدن که با خصومت آشکار با ترمپ تمام تصامیم و فرامین عمده او را باز نگری و بسیاری آن ها را لغو کرد، توافقنامه ننگین دوحه را نیز باطل کند، اما دیدیم که نه تنها آن را باطل نکرد بلکه با کراهیت طبیعی که در برابر افغان ها داشت، خروج خود را هم خیلی سبکسرانه و غیر مسوولانه پیاده کرده و در سقوط نظام وتخریب دستآوردهای مادی و معنوی نیز انتقام بزرگی از افغانستان گرفت.
این به آن معناست که بایدن در جنب مخالفت عمیقی که با ملت شدن، وحدت و بازسازی افغانستان داشت، از طرف پالیسی سازان ستراتژی های کلان نیز با رموز اصلی پروژه و دور نمای آن برای بی ثبات سازی منطقه آشنا و به پذیرش آن قناعت داده شده بود.
امریکا مطابق به تعهدی که با طالبان بسته بود، رغم مخالفت شمار زیادی از مقامات و نهادهای امریکا و تقاضاهای حکومت و اپوزیسیون کشور ما، تمامی نیروهایش را از افغانستان کشید.
پس ما که نه در تهاجم و آمدن نیروهای نظامی امریکایی نقشی داشتیم و نه در برامدن آن؛ و ما که در طول بیست سال شاهد سلب استقلال، قتل عام و پیشبرد سیستماتیک سیاست بی ثباتی دولت و تقویه نفاق افگنی قومی از جانب آنها بوده ایم، چرا باید حالا بر رفتن آنها بگرییم و صدا اندازیم.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

بلی، امروز دست نیابتی یا اشغال غیر مستقیم پاکستان مسلط شده و این خود پیامد همان اشغال کثیف امریکا، پروژه های ستراتژیک آن و همان زد و بند ها با پاکستان و پادوان آن است.
ما حق داریم از امریکا بپرسیم امروز که طالبان را دوباره سر قدرت آوردید چرا در درازای بیست سال در مبارزه با آنها این قدر خون ریختید؟ واضح است که خون آسیایی و افریقایی برای شما پشیزی ارزش ندارد، ولی ارزش هر قطره آن برای ما بیشتر از کل امریکای تان است.
اگر قرار بود مردم ما باز هم حاکمیت و چپه نعل کردن های همان طالبان را تحمل کنند، چرا نگذاشتید همین بیست سال گذشته را کم از کم در فضای دور از جنگ و خون ریزی سپری کنند؟
اگر موضوع را خلاصه کنم در می یابیم که:
ما، در تاریخ امروز در جایی قرار داریم که بیست سال پیش بودیم. بلی، همان طالب، همان شریعت و همان پاکستان. آنچه علاوه گی بر ما تحمیل شده بود بیست سال خونریزی بی حساب، نفاق گسترده، مخدرات و اعتیاد و دست نگری بود. امروز اقلاً همان برخ علاوه گی، که حالت امروزی را در بطن خود پرورش داده می رفت، از شانه های ما برداشته شد که من آن را ارج می گذارم.
امریکا هر آنچه را که ادعا می کرد به افغانستان داده است، همه را یا پس گرفت و یا تار و مار کرد. ظرفیت های ایجاد شده در طول بیست سال را هم خودش برد و هم شریکانش؛ از هر پایگاهی که برامد آنرا تخریب کرد؛ اردوی ملی را از هم پاشاند، هواپیماها و وسایط و تجهیزات پیشرفته را تخریب و یا عاطل ساخت؛ دارایی های افغانستان را قید، کمک ها را متوقف و اقتصاد را راکد گردانید؛ با پیشکش کشور ما به پاکستان ما را قربانی مطامع این دشمن دیرینه کرده و با حاکم گردانیدن مجدد طالبان، به تاریکی تیره اجتماعی - فرهنگی فرو برد.
امریکا این همه دارایی های مادی و معنوی را به دلیلی از بین برد که تصور می کرد او آنها را به ما هدیه داده است و با رفتنش باید عطایش را پس بگیرد. در حالی که ما در گذشته ها این همه را بهتر از عطیه های ایشان داشتیم و این ها بودند که با جنایات و بر افروختن آتش ترور از سال های هشتاد تا هزاره دوم، همه را دود و فنا ساخته حاکمیت دهشت، وحشت، شر و فساد را بر ما روا داشتند.
اگر تجاوز و اشغال امریکا نمی بود، از امکان دور نبود طالبان بدوی سال های نود تا کنون به دلیل آشنایی با سیاست، تعامل با جهان و ضرورت گردن نهادن به ارزش ها و معیارهای جهانی، خیلی بیشتر از حالا، متمدن شده می بودند و با درک دقیق از منافع ملی، خود را از نفوذ پاکستان آزاد گردانده بودند.
پس آنچه تجاوز امریکا به ما داد ملیون ها شهید، معلول و معتاد، گسترش تولید مواد مخدر، نفاق قومی، جدایی طلبی، فساد، ویرانی و باز ماندن از بازسازی زیربنایی بود. منکر برخی از دست آوردها نیستم، ولی در مقایسه با ضربه اساسی برنامه ریزی شده که بر کیان مادی و معنوی کشور ما و بر ارزش های پاکیزه و معنویت بلند ملی ما در طول زمان، بالخصوص در بیست سال اخیر وارد کرد و با پس لگدهای خروجش آن را تکمیل نمود، در حکم هیچ اند.
امریکا در تلاش خلق زمینه نو شعله ور نگه داشتن جنگ در افغانستان، چه به شکل جنگ داخلی با محور پنجشیر، چه زیر بهانه انتقام گیری حادثه انفجار ۲۶ اگست در میدان هوایی و ریشه کن کردن داعش خراسان، و چه هر دو، می باشد. کافیست ملت افغان همین یک کوله بار سنگین جور حاکمیت استبدادی و تاریک اندیشی قرون وسطی را بر دوش بکشد و علیه آن از راه های متمدنانه برزمد؛ توان پذیرش و تحمل جنگ ها و تجاوزها، دیگر وجود ندارد و با هوشیاری و قاطعیت باید علیه آن ایستاد. طالبان نیز بالآخر باید سر هوش آیند و با دست کشیدن از خصومت با تمدن و برداشتن زمینه های بهانه گیری، راه تجاوز مکرر و جنگ های تازه را سد کنند.

۱۴۰۰ / ۰۷ / ۱۵
۲۰۲۱ / ۱۰ / ۰۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ